

# کتاب دانیال - شماره چهل و یک

خدمت پیامبرانه پولس: پیوند دادن اسرائیل باستان به اسرائیل روحانی

Jeff Pippenger

2024-01-05

پولس رسول حلقه وصل میان اسرائیل باستان و اسرائیل روحانی بود، زیرا خدمت او، نام او، شرایط شخصی‌اش و کار نبوی‌اش همگی بر این حقیقت شهادت می‌دهند. او خود را کمترین رسولان می‌دانست، زیرا به قوم خدا جفا رسانده بود.

زیرا من کوچک‌ترین رسولان هستم و شایسته آن نیستم که رسول خوانده شوم، چون کلیسای خدا را آزار دادم. اول قرن‌تین ۱۵:۱۹.

نامی که هنگام ایمان آوردن به او دادند «پولس» بود، که به معنای کوچک یا ریز است، زیرا او کمترین رسولان بود. با این حال نام اصلی او «شائول» بود که به معنای «برگزیده» است.

آن‌گاه حنانيا در پاسخ گفت: ای خداوند، از بسیاری درباره این مرد شنیده‌ام که چه شرارت‌های فراوان نسبت به مقدسان تو در اورشلیم انجام داده است؛ و در اینجا نیز از جانب سرکاهنان اختیار دارد تا هر که نام تو را بخواند در بند کند. اما خداوند به او گفت: برو، زیرا او برای من ظرفی برگزیده است تا نام مرا در برابر امت‌ها و پادشاهان و بنی‌اسرائیل حمل کند. اعمال رسولان ۱۵:۱۳-۹.

شائول «ظرفی برگزیده» بود تا انجیل را به غیریهودیان ببرد، اما او نخست می‌بایست تبدیل و فروتن شود و به پولس (کوچک) بدل گردد، زیرا قرار بود قدرتمند باشد. پولس دریافت که قوتش در کوچکی‌اش، یا ضعفش، بود.

و تا مبدا به سبب فراوانی مکاشفات، بیش از حد سربرافراشته شوم، خاری در تن به من داده شد؛ فرستاده‌ای از شیطان تا مرا آزار دهد، تا مبدا بیش از حد سربرافراشته شوم. برای این امر سه بار از خداوند التماس کردم تا از من دور شود. و به من گفت: «فیض من برای تو کافی است، زیرا قوت من در ضعف کامل می‌شود.» پس با کمال میل ترجیح می‌دهم در ناتوانی‌های خود فخر کنم تا قدرت مسیح بر من قرار گیرد. از این رو به خاطر مسیح، در ناتوانی‌ها، در سرزنش‌ها، در تنگدستی‌ها، در آزارها و در تنگناها خشنودم؛ زیرا هنگامی که ضعیف هستم، آنگاه قوی‌ام. دوم قرن‌تین ۱۲:۷-۱۰.

شائول «برگزیده» شد، اما برای اینکه نیرومند باشد، کوچک ساخته شد (پولس). او برگزیده شد تا انجیل را به غیر یهودیان ببرد، اما تا حدی به سبب دانشش از عهد عتیق برگزیده شده بود.

به‌ویژه چون می‌دانم شما در همه رسوم و مسائل موجود در میان یهودیان صاحب نظر هستید؛ از این رو از شما استدعا می‌کنم با شکیبایی به سخنم گوش دهید. شیوه زندگانی‌ام از جوانی، که در آغاز در اورشلیم، در میان قوم خودم می‌گذشت، بر همه یهودیان معلوم است؛ آنان که اگر بخواهند شهادت دهند، از همان آغاز مرا می‌شناختند که مطابق سخت‌گیرانه‌ترین فرقه دین‌مان، چون فریسی می‌زیستم. اعمال رسولان ۳:۲۶-۵.

شائول زیر نظر گمالتیل تعلیم دیده بود؛ کسی که یکی از بزرگ‌ترین استادان کتب عهد عتیق به شمار می‌آمد.

"درخواست پذیرفته شد، و 'پولس بر پلکان ایستاد و با دست به مردم اشاره کرد.' آن حرکت توجه آنان را جلب کرد و در عین حال وقار او احترام برمی‌انگیخت. 'و چون سکوتی عظیم برقرار شد، به زبان عبری با آنان سخن گفت و گفت: ای مردان، برادران و پدران، از دفاعی که اکنون در حضور شما می‌کنم گوش فرا دهید.' با شنیدن واژه‌های آشنای عبری، 'سکوت بیشتری اختیار کردند' و در آن خاموشی همگانی ادامه داد: 'من به راستی مردی یهودی هستم، زاده طرسوس، شهری در کیلیکیه؛ اما در این شهر، در محضر گمالیئیل پرورش یافته‌ام و مطابق دقیق‌ترین شیوه شریعت پدران تعلیم دیدم، و نسبت به خدا غیرتمند بودم، چنان‌که شما نیز امروز هستید.' هیچ‌کس نمی‌توانست گفته‌های رسول را انکار کند، زیرا حقایقی که به آنها اشاره می‌کرد، برای بسیاری از کسانی که هنوز در اورشلیم زندگی می‌کردند، به‌خوبی شناخته‌شده بود." اعمال رسولان، ۴۰۸.

شائول به‌طور تصادفی برگزیده نشده بود، و یکی از اهداف مشخص خدمت پولس این بود که تاریخ مقدس اسرائیل جسمانی را با تاریخ مقدس اسرائیل روحانی پیوند دهد. در ارتباط با این حقیقت، او نویسنده بخش عمده‌ای از عهد جدید بود. یک فصل از نوشته‌های او پشتوانه چارچوب پیام فرشته نخست و نیز چارچوب پیام فرشته سوم را مشخص می‌کند. این فراز در تاریخ ادونتیسیم یادمانی است که تمایز میان خردمندان و نادانان را در آغاز و پایان ادونتیسیم روشن می‌کند.

اکنون ای برادران، در باب آمدن خداوند ما عیسی مسیح و گرد آمدن ما نزد او، از شما استعدا می‌کنیم که زود در فکر متزلزل نشوید و مضطرب نگردید، نه از روحی، نه از سخنی، و نه از نامه‌ای گویا از طرف ما، چنان‌که گویی روز مسیح فرا رسیده است. هیچ‌کس شما را به هیچ نحو فریب ندهد، زیرا آن روز نخواهد آمد، مگر آنکه نخست ارتداد واقع شود و آن مرد گناه، پسر هلاکت، آشکار گردد؛ او که مخالفت می‌کند و خود را برتر از هر آنچه خدا خوانده می‌شود یا پرستیده می‌گردد می‌افرازد، به‌گونه‌ای که در هیکل خدا چون خدا می‌نشیند و خود را خدا می‌نمایاند. آیا به یاد ندارید که وقتی هنوز نزد شما بودم، اینها را به شما می‌گفتم؟ و اکنون می‌دانید آنچه مانع است تا او در وقت خود آشکار شود. زیرا سر بی‌قانونی هم‌اکنون نیز عمل می‌کند؛ اما آن که اکنون بازمی‌دارد، تا از میان برداشته شود، بازخواهد داشت. و آنگاه آن شیر آشکار خواهد شد که خداوند او را با روح دهان خود از میان خواهد برد و با درخشش آمدن خویش نابود خواهد کرد؛ یعنی همان که آمدنش بر حسب عمل شیطان است، با هرگونه قدرت و آیات و شگفتی‌های دروغین، و با هر نوع فریبندگی ناراستی در میان هلاک‌شوندگان؛ زیرا محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند. و از این رو خدا برایشان گمراهی نیرومندی می‌فرستد تا دروغ را باور کنند، تا همه محکوم شوند، یعنی آنان که راستی را باور نکردند بلکه در ناراستی لذت می‌بردند. دوم تسالونیکیان ۱: ۲-۱۲.

زمینه این بخش بررسی این است که مسیح چه زمانی برای بار دوم بازخواهد گشت. پولس به تسالونیکیان یادآوری می‌کند که پیش‌تر به این نگرانی پاسخ داده بود، آن‌گاه که گفت: «آیا به یاد ندارید که وقتی هنوز نزد شما بودم، این چیزها را به شما می‌گفتم؟» پولس می‌کوشید تا برادران را از فریب خوردن در موضوع «آمدن خداوند ما عیسی مسیح و گرد آمدن ما نزد او» بازدارد.

تاریخ‌نگاران اشاره می‌کنند که نیمی از پیام ویلیام میلر بر تعیین دوره دوهزار و سیصد ساله باب هشتم دانیال، آیه چهاردهم، استوار بود. نیمه دیگر پیام او، که گاه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، کار او در رد آموزه‌های نادرست درباره آمدن دوباره مسیح است.

بر پایه روش نادرست یسوعیان، تعلیم باطل برجسته‌ای وجود داشت (و هنوز هم هست) که ویلیام میلر همواره با آن مخالفت می‌کرد. آن تعلیم باطل این بود که پیش از بازگشت دوم خداوند، هزار سال صلح برقرار می‌شود که آن را «هزاره دنیوی» می‌نامیدند؛ تعلیمی که خواهر وایت نیز با آن مخالفت کرد.

کار میلر همچنین تثبیت حقیقت بازگشت واقعی و عینی مسیح بود، در تقابل با ایده‌های نادرست گوناگون درباره هزاره که در روزگار او رواج داشت. پولس در رساله دوم به تسالونیکیان به ظهور ثانی می‌پردازد، از این رو آن فراز بخشی از درک میلر از ظهور ثانی واقعی و عینی بود. آن فصل برای میلر «حقیقت حاضر» بود.

پولس دنباله‌ای مهم از رویدادهای مرتبط با آمدن دوباره را مشخص می‌کند و نیز منطق اینکه چرا تسالونیکیان نباید انتظار بازگشت خداوند را در طول عمر خود داشته باشند ارائه می‌دهد. پولس می‌گوید: «اکنون، ای برادران، به سبب آمدن خداوند ما عیسی مسیح و گرد آمدن ما نزد او، از شما خواهش می‌کنیم.» واژه «beseech» به معنای بازجویی کردن است. پولس عناصر مربوط به آمدن دوباره را به صورت استدلالی بررسی می‌کند و مخاطبانش را از طریق نوعی بازجویی هدایت می‌کند تا شنوندگانش منطق او را تحلیل کنند.

ساختار منطق او این است که پیش از بازگشت دوم مسیح، پاپی‌گری باید شناسایی شود و حکومت کند، و اینکه پیش از آنکه پاپی‌گری در تاریخ پدیدار شود، باید ارتدادی رخ دهد. آن ارتداد هنوز در آینده بود، پس ظهور پاپی‌گری نیز فراتر از آن بود. پس چگونه ممکن بود کسی فریب بخورد و بیندیشد که بازگشت مسیح نزدیک است؟ او از چندین نماد پاپی‌گری استفاده می‌کند تا روشن سازد آن قدرتی که پس از ارتداد آشکار می‌شود دقیقاً چیست. او پاپی‌گری را «مرد گناه»، «آن شریر»، «پسر هلاکت» و «سر بی‌قانونی» می‌نامد. خواهر وایت به روشنی بیان می‌کند که این‌ها همگی نمادهایی برای شناسایی پاپی‌گری هستند.

اما پیش از آمدن مسیح، تحولات مهمی در عرصه دین که در نبوت پیشگویی شده بود، قرار بود رخ دهد. رسول اعلام کرد: «به سرعت در فکر خود متزلزل نشوید و مضطرب نگردید، نه از روح، نه از کلام، و نه از نامه‌ای که گویا از جانب ما باشد، چنان‌که گویی روز مسیح نزدیک است. هیچ‌کس شما را به هیچ وسیله‌ای نفریبد؛ زیرا آن روز نخواهد آمد، مگر آنکه نخست ارتدادی پدید آید و آن مرد گناه آشکار شود، پسر هلاکت؛ که با هرچه خدا خوانده می‌شود یا پرستیده می‌شود مخالفت می‌ورزد و خود را برتر از همه می‌افرازد، به‌گونه‌ای که همچون خدا در معبد خدا می‌نشیند و خود را خدا می‌نمایاند.»

سخنان پولس نباید به غلط تفسیر می‌شد. نباید چنین تعلیم داده می‌شد که او، بر پایه مکاشفه‌ای خاص، به تسالونیکیان درباره آمدن قریب‌الوقوع مسیح هشدار داده بود. چنین موضعی موجب آشفتگی ایمان می‌شد؛ زیرا ناامیدی غالباً به بی‌ایمانی می‌انجامد. از این رو، رسول برادران را برحذر داشت که هیچ پیام این‌چنینی را از جانب او نپذیرند، و سپس بر این نکته تأکید کرد که قدرت پاپی، که به روشنی به وسیله نبی دانیال توصیف شده است، هنوز باید سر برآورد و علیه قوم خدا بجنگد. تا زمانی که این قدرت کار مرگبار و کفرآمیز خود را به انجام نرسانده باشد، برای کلیسا بیهوده است که در انتظار آمدن خداوندشان باشد. «آیا به یاد ندارید»، پولس پرسید، «که وقتی هنوز نزد شما بودم، این چیزها را به شما گفته بودم؟»

آزمایش‌هایی هولناک در انتظار کلیسای حقیقی بود. حتی در زمانی که رسول می‌نوشت، «راز شرارت» از پیش آغاز به کار کرده بود. تحولاتی که قرار بود در آینده رخ دهد، «مطابق کار شیطان، با همه قدرت و آیات و عجایب دروغین، و با هرگونه فریبندگی ناراستی در آنان که هلاک می‌شوند» می‌بود.

«بیان رسول درباره کسانی که از پذیرش «محبت حقیقت» سر باز می‌زنند، به‌ویژه جدی و هشداردهنده است. او درباره همه کسانی که عمداً پیام‌های حقیقت را رد می‌کنند اعلام کرد: «از این رو خدا برایشان گمراهی شدید می‌فرستد تا دروغی را باور کنند؛ تا همه آنان که به حقیقت ایمان نیاوردند بلکه به ناراستی خوشی یافتند، محکوم شوند.» آدمیان نمی‌توانند بی‌کیفر

هشدارهایی را که خدا از سر رحمت برایشان می‌فرستد، رد کنند. از کسانی که بر روی گردانی از این هشدارها پافشاری می‌کنند، خدا روح خود را باز می‌گیرد و آنان را به فریب‌هایی که دوست می‌دارند وا می‌گذارد.» اعمال رسولان، 265، 266.

اگرچه خواهر وایت در گفتار پولس، «مرد گناه»، آن «شریر»، «پسر هلاکت» و «سرّ بی‌قانونی» را به‌طور مستقیم شناسایی کرده و آن شخصیت را «قدرت پاپی» می‌نامد، او فراتر از این نیز می‌گوید. او تصریح می‌کند که این نمادهایی که پولس برای شناسایی پاپ روم به کار برد، بر اساس کتاب دانیال بنا شده بود، آنگاه که گفت: «پس رسول برادران را هشدار داد که هیچ پیامی از این دست را گویی از سوی او دریافت نکنند، و سپس بر این حقیقت تأکید کرد که قدرت پاپی، که از سوی نبی دانیال چنان روشن توصیف شده است، هنوز باید سر برآورد و بر ضد قوم خدا به جنگ برخیزد. تا زمانی که این قدرت کار مرگبار و کفرآمیز خود را به انجام نرساند، برای کلیسا بیهوده خواهد بود که در انتظار آمدن خداوند خود باشد.» پولس آن بخش از پیام خود به تسالونیکیان را که پایت را مشخص می‌کرد، بر دانیال باب یازدهم، آیه سی‌وششم بنا نهاده بود.

و آن پادشاه بر وفق اراده خویش عمل خواهد کرد؛ و خود را خواهد افراشت و خویشتن را برتر از هر خدایی خواهد گردانید، و سخنانی شگفت بر ضد خدای خدایان بر زبان خواهد آورد، و کامیاب خواهد بود تا زمانی که غضب به کمال رسد؛ زیرا آنچه مقرر شده است انجام خواهد شد. دانیال ۱۱:۳۶.

وقتی پولس پاپ را این‌گونه معرفی می‌کند: «کسی که مخالفت می‌ورزد و خود را بالاتر از هر آنچه خدا نامیده می‌شود یا مورد پرستش است می‌افرازد؛ چنان‌که چون خدا در هیکل خدا می‌نشیند و خود را خدا می‌نمایاند»، پولس در واقع بیان نبی دانیال را درباره آن «پادشاه» بازگویی می‌کرد که «بر وفق اراده خود» عمل کرد و «خود را برکشید» و «خود را برتر از هر خدایی بزرگ ساخت». پاپ همان پادشاهی است که «سخنان شگفت بر ضد خدای خدایان» می‌گوید، و پاپ همان قدرتی است که «تا آن‌گاه که» «غضب» نخستین در سال ۱۷۹۸ «به انجام رسد»، کامیاب می‌ماند.

اگر قرار است افزایش معرفت در سال ۱۹۸۹ به درستی فهمیده شود، درک درست دانیال، باب یازدهم، آیه ۳۶ کاملاً ضروری است. به همین دلیل، تعلیم نادرستی که طبق آن پادشاه این آیه فرانسه بود—تفسیری که اوریا اسمیت مطرح کرد—در نسل نخست ادونتیس (۱۸۶۳ تا ۱۸۸۸) رواج یافت. اسمیت متن آیه ۳۶ را از «پادشاه» (که همان نهاد پاپی است که در آیات پیشین توصیف می‌شد) به «یک پادشاه» (هر پادشاهی) تغییر داد تا ویژگی‌های شیوه عبادتی رم را به فرانسه الحادی نسبت دهد، اما این فقط سکوی پرشی بود برای طرح نظریه محبوبش مبنی بر اینکه در آیه ۴۰ به بعد، پادشاه شمال ترکیه است.

شیطان از همان آغاز در پی آن بود که این حقیقت را مبهم سازد که پادشاه در آن آیه پایت است، و این رسول پولس است که برای این حقیقت به شهادت دانیال شاهی دوم می‌افزاید. خواهر وایت شاهد سوم را فراهم آورد.

شیطان نه تنها کوشید حقیقت این‌که پادشاه مذکور در آیه همان پاپ است را مبهم سازد، بلکه با منحرف کردن حقیقت مندرج در آیه، اهمیت معنای «غضب» در آن آیه را نیز مبهم کرد. پایت مذکور در آیه می‌بایست تا سال ۱۷۹۸ رونق یابد، زمانی که زخم مهلک خود را دریافت کرد. سال ۱۷۹۸ پایان دو هزار و پانصد و بیست سال غضب خداست که علیه پادشاهی شمالی اسرائیل اعمال شد و آغاز آن به سال ۷۲۳ پیش از میلاد بازمی‌گردد.

اگر ادونتیسیم در سال ۱۸۶۳ از «هفت زمان» دفاع کرده و آن را حفظ کرده بود، عملاً ناممکن می‌بود که اوریاها اسمیت بتواند با چنین یاوه‌گویی‌ای دربارهٔ آیهٔ سی‌وشش قیصر در برود؛ زیرا «غضب» به‌عنوان نمایانگر نخستین غضبِ خدا در «هفت زمان» فهمیده می‌شد و بنابراین هیچ ارتباطی با فرانسه نداشت. افزایش دانش در سال ۱۹۸۹ در آن فراز به تأیید پولس می‌رسد و از همین رو هشدار پولس در همان فراز دربارهٔ کسانی که محبتِ حقیقت را نمی‌پذیرند بلکه فریبِ نیرومند را می‌پذیرند، بدین معناست که آنان از طریق ردِ حقایقی که پولس در همان فراز عرضه می‌کند، چنین می‌کنند. یکی از آن حقایق، شناسایی درستِ پادشاهِ شمال در بابِ یازدهم دانیال، آیاتِ چهل تا چهل‌وپنج است.

در این بخش، پس از آنکه پولس پاپ رم را شناسایی می‌کند، دنباله‌ای از رویدادها در پایان جهان را که به بازگشتِ دوم مسیح می‌انجامد (که موضوع این بخش است) مشخص می‌کند. او می‌گوید: «آنگاه آن شریر آشکار خواهد شد.» آن «شریر» پاپ است، «که خداوند او را با نفسِ دهان خود نابود خواهد کرد و با درخشندگی آمدنِ خود هلاک خواهد ساخت.» سپس پولس می‌گوید: «همان کسی که آمدنش پس از عمل شیطان است، با هر قدرت و آیات و عجایبِ دروغین.» عیسی همان کسی است «که آمدنش پس از عمل شیطان است.»

دورهٔ فعالیت معجزه‌آسای شیطان از قانون یکشنبهٔ نزدیک‌الوقوع آغاز می‌شود و تا زمانی که میکائیل برخیزد و مهلت بشر پایان یابد ادامه دارد. شیطان در دوران هفت بلای آخر که از پایان مهلت تا بازگشت مسیح نازل می‌شوند، هیچ معجزه‌ای انجام نمی‌دهد.

مسیح می‌گوید: «از میوه‌هایشان ایشان را خواهید شناخت.» اگر کسانی که از طریق آنان شفاهای انجام می‌شود، به سبب این تجلیات مایل باشند افعال خود نسبت به شریعت خدا را توجیه کنند و به نافرمانی ادامه دهند، هرچند هر قدر هم که قدرت داشته باشند، دلیل نمی‌شود که آنان دارای قدرت عظیم خدا باشند. برعکس، این قدرتِ معجزه‌گر فریبندهٔ بزرگ است. او ناقض شریعتِ اخلاقی است و از هر حيله‌ای که بتواند بهره می‌گیرد تا مردم را نسبت به ماهیت حقیقی آن کور سازد. به ما هشدار داده شده که در ایام آخر او با آیات و عجایبِ دروغین عمل خواهد کرد. و این عجایب را تا پایان مهلت ادامه خواهد داد تا بتواند آن‌ها را به‌عنوان دلیل بیاورد که او فرشته نور است نه تاریکی. تفسیر کتاب مقدس ادونتیسیت‌های روز هفتم، جلد 7، 911.

پولس بیان می‌کند که ارتدادی پیش از آشکار شدن نظام پاپی رخ خواهد داد، و اینکه بازگشت دوم مسیح "پس از" عملکرد معجزه‌آسای شیطان رخ خواهد داد. عملکرد معجزه‌آسای شیطان از قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود و با فرا رسیدن پایان مهلت و هفت بلای آخر به پایان می‌رسد. عملکرد معجزه‌آسای شیطان از قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود.

«با صدور فرمانی که برخلاف قانون خدا، نهاد پاپی را الزام‌آور می‌سازد، ملت ما به‌طور کامل از راستکاری جدا خواهد شد. وقتی پروتستانیسم دست خود را از فراسوی شکاف برای فشردن دست قدرت رومی دراز کند، و هنگامی که بر فراز ورطه دست در دست روح‌گرایی نهد، و زمانی که تحت نفوذ این اتحاد سه‌گانه کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را، به‌عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری، نفی کند و برای ترویج اکاذیب و گمراهی‌های پاپی تمهیداتی فراهم آورد، آنگاه خواهیم دانست که زمان عمل شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.» شهادت‌ها، جلد ۵، صفحه ۴۵۱.

قانون یکشنبه پایان پادشاهی ششم است، یعنی وحش زمین در باب سیزدهم مکاشفه. وحش زمین در پایان هزار و دویست و شصت سال حکومت پاپی، در سال ۱۷۹۸، به سلطنت رسید. بنابراین دستگاه پاپی در سال ۵۳۸ آشکار شد، هرچند تلاش او برای به دست گرفتن کنترل جهان، هنگامی که پولس سخنان خود را می‌نوشت، از پیش فعال بود. پیش از سال ۵۳۸، می‌بایست ارتدادی روی دهد

که مقدم بر آشکار شدن مرد گناه، که در هیكل خدا نشسته است، باشد.

ارتداد به وسیله کلیسای پرگاموس به تصویر کشیده شد، آنگاه که کلیسای مسیحی با آیین بت پرستی سازش کرد؛ امری که امپراتور کنستانتین نماد آن بود. پولس نشانه‌های نبوی‌ای را مشخص می‌کرد که باید پیش از بازگشت دوباره مسیح رخ دهند. پس از مرور آنچه پیش‌تر به تسالونیکیان آموخته بود، سپس می‌پرسد آیا به یاد ندارند که پیش‌تر این حقایق را به آنان آموخته بود؟ سپس به آنان یادآوری می‌کند که باید همچین به خاطر بیاورند که به آنان آموخته بود که قدرتی وجود دارد که پاپیت را «that» «that» پاپیت «time» «be revealed in his time» واژه «witholdeth» به معنای بازداشتن است. واژه «witholdeth» بعدتر در همان بخش به صورت «letteth» «letteth» ترجمه شده است.

از این رو این فراز به درستی چنین بیان می‌شود: «و اکنون می‌دانید چه چیزی قدرت پاپی را باز می‌دارد تا در وقت خود آشکار شود. زیرا راز بی‌قانونی (قدرت پاپی) هم‌اکنون در کار است؛ فقط او که اکنون قدرت پاپی را باز می‌دارد، همچنان قدرت پاپی را باز خواهد داشت تا وقتی که از میان برداشته شود.» وقتی ویلیام میلر این فراز را در تسالونیکیان شناخت، دریافت که قدرتی که در سال ۵۳۸ مانع شد قدرت پاپی به سلطنت بر جهان دست یابد، روم وثنی بود؛ و اینکه روم وثنی جلوی خیزش قدرت پاپی را باز خواهد داشت تا وقتی که روم وثنی «از میان برداشته شود».

در دوازده سالی که دئیست بودم، هر تاریخی را که می‌یافتم می‌خواندم؛ اما اکنون کتاب مقدس را دوست داشتم. آن درباره عیسی تعلیم می‌داد! با این حال هنوز بخش‌های زیادی از کتاب مقدس برایم مبهم بود. در سال ۱۸۱۸ یا ۱۸۱۹، هنگامی که با دوستی که به دیدارش رفته بودم گفتگو می‌کردم—و او مرا در دوران دئیستی‌ام می‌شناخت و سخنانم را شنیده بود—با لحنی معنادار پرسید: «درباره این آیه و آن آیه چه فکر می‌کنی؟» و اشاره‌اش به همان آیاتی بود که در دوران دئیستی‌ام به آن‌ها ایراد می‌گرفتم. فهمیدم منظورش چیست و پاسخ دادم: اگر به من فرصت بدهی، به تو خواهم گفت معنایشان چیست. گفت: «چقدر وقت می‌خواهی؟» گفتم: نمی‌دانم، اما به تو خواهم گفت؛ زیرا باور نمی‌کردم خدا وحیی داده باشد که نتوان آن را فهمید. پس تصمیم گرفتم کتاب مقدس را مطالعه کنم، با این باور که می‌توانم دریابم مقصود روح‌القدس چیست. اما همین که این تصمیم را گرفتم، فکری به ذهنم رسید: «فرض کن به عبارتی برخوردی که نمی‌توانی بفهمی؛ چه خواهی کرد؟» پس این شیوه مطالعه کتاب مقدس به فکرم رسید: واژه‌های آن‌گونه عبارات را برمی‌گیرم و آن‌ها را در سراسر کتاب مقدس پی می‌گیرم تا به این طریق معنایشان را بیابم. من Cruden's Concordance را داشتم که به گمانم بهترین جهان است؛ پس آن را و کتاب مقدس را برداشتم و پشت میز نشستم و جز اندکی روزنامه چیزی نخواندم، زیرا مصمم بودم بدانم کتاب مقدس چه معنایی دارد.

من از سفر پیدایش شروع کردم و آرام‌آرام به خواندن ادامه دادم؛ و هرگاه به آیه‌ای می‌رسیدم که آن را نمی‌فهمیدم، در سراسر کتاب مقدس جست‌وجو می‌کردم تا بفهمم معنایش چیست. پس از آن که به این شیوه سراسر کتاب مقدس را مرور کردم، آه، حقیقت چه روشن و پر جلال جلوه‌گر شد! آنچه را که به شما موعظه می‌کرده‌ام یافتم. مطمئن شدم که هفت زمان در سال ۱۸۴۳ به پایان رسید. سپس به ۲۳۰۰ روز رسیدم؛ آن‌ها مرا به همان نتیجه رساندند؛ اما اصلاً در فکر این نبودم که دریابم نجات‌دهنده چه زمانی می‌آید، و نمی‌توانستم آن را باور کنم؛ اما آن نور چنان نیرومند بر من تابید که نمی‌دانستم چه کنم. با خود گفتم: اکنون باید هم مهمیز بزنم و هم مهار بگیرم؛ نه جلوتر از کتاب مقدس خواهم رفت و نه از آن عقب خواهم ماند. هرچه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد، بر آن پایبند می‌مانم. اما باز هم آیاتی بود که نمی‌توانستم آن‌ها را بفهمم.

تا اینجا درباره روش کلی او در مطالعه کتاب مقدس. در موقعیتی دیگر، او شیوه خود را برای تعیین معنای متن پیش‌رو—معنای «daily» «daily» کرد. او گفت: «به خواندن ادامه دادم و مورد

دیگری نیافتم که در آن یافت شود، جز در دانیال. سپس آن واژه‌هایی را که با آن در ارتباط بودند بررسی کردم، یعنی «برداشتن»: «او «daily» daily را برخواهد داشت»، «از زمانی که «daily» daily برداشته شود» و غیره. به خواندن ادامه دادم و فکر کردم نوری بر متن نخواهم یافت؛ سرانجام به دوم تسالونیکیان ۷:۲-۸ رسیدم: «زیرا راز بی‌قانونی هم‌اکنون در کار است؛ فقط آن که اکنون مانع می‌شود، تا وقتی که از سر راه برداشته شود، مانع خواهد شد؛ و آنگاه آن شریر مکشوف خواهد شد» و غیره. و چون به آن متن رسیدم، آه، حقیقت چه روشن و باشکوه نمودار شد! همین است! این همان «daily» daily است! خب، اکنون پولس از «آن که اکنون مانع می‌شود»، یا بازمی‌دارد، چه مراد دارد؟ منظور از «مرد گناه» و «آن شریر»، پاپیسم است. خب، چه چیزی مانع می‌شود که پاپیسم مکشوف شود؟ خب، بت‌پرستی است؛ پس، «daily» daily باید به معنای بت‌پرستی باشد.» ویلیام میلر، آپولوس هیل، راهنمای ظهور دوم، ۶۵، ۶۶.

بدون درک این نکته که «روزانه» در کتاب دانیال نمادی از بت‌پرستی بود، میلر به‌سختی می‌توانست چارچوبی را تدوین کند که ساختار نبوی‌اش را بر آن بنا نهاد. «روزانه» پنج بار در کتاب دانیال آمده است و همیشه پس از آن نمادی از پاپ‌گرایی می‌آید. شواهد اینکه «روزانه» در کتاب دانیال بت‌پرستی است، در نامه پولس به تسالونیکیان یافت می‌شود. یکی از شدیدترین هشدارهای کلام خدا در همان جاست، زیرا در آنجا پولس به‌صراحت می‌گوید کسانی که حقیقت را دوست ندارند، بر آنان گمراهی شدید فرستاده خواهد شد. آن حقیقتی که عمداً در تسالونیکیان گنجانده شده بود، شناسایی ارتباط بت‌پرستی با پاپ‌گرایی بود، و رد کردن آن حقیقت، تضمین می‌کند که پیامد آن رد، همان گمراهی شدید خواهد بود.

این موضوع را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

متحیر بمانید و در شگفت شوید؛ فریاد برآورید و ناله کنید: ایشان مست‌اند، اما نه از شراب؛ تلوتلو می‌خورند، اما نه از مسکر. زیرا خداوند روح خواب عمیق را بر شما ریخته است، و چشمان شما را بسته است؛ انبیا و سروران شما، یعنی راتیان را، او پوشانیده است. و رؤیای همه‌چیز برای شما همچون سخنان کتابی مهرشده شده است که آن را به شخصی دانشمند می‌دهند و می‌گویند: «تمنا دارم این را بخوان»؛ و او می‌گوید: «نمی‌توانم، زیرا مهر شده است.» و کتاب را به کسی که دانش ندارد می‌دهند و می‌گویند: «تمنا دارم این را بخوان»؛ و او می‌گوید: «من دانش ندارم.» پس خداوند فرمود: «از آنجا که این قوم با دهان خویش به من نزدیک می‌شوند و با لب‌های خود مرا تکریم می‌نمایند، اما دل خویش را از من دور ساخته‌اند، و ترس ایشان از من تعلیمی است که از فرمان انسان آموخته‌اند، بنابراین، اینک من بار دیگر در میان این قوم کاری شگفت‌انگیز و اعجاز‌آمیز خواهم کرد؛ زیرا حکمت حکیمان ایشان نابود خواهد شد، و فهم فهیمان ایشان نماند خواهد گردید. وای بر آنان که ژرف می‌کوشند تا مشورت خویش را از خداوند پنهان سازند، و اعمالشان در تاریکی است، و می‌گویند: "کیست که ما را ببیند؟ و کیست که ما را بشناسد؟" یقیناً وارونه ساختن امور از جانب شما همچون گل کوزه‌گر محسوب خواهد شد؛ زیرا آیا مصنوع دربارۀ صانع خود خواهد گفت: "او مرا نساخته است؟" یا آیا آنچه صورت یافته، درباره صورت‌دهنده خود خواهد گفت: "او فهم نداشت؟" اشعیا ۹: 29-16.